

همدلی

دل چواز تپش افتاد همچون گل شود
صاحبدل از سوزش دل بیدل شود
افروختیم شعله ای عشق را در بیابان
حدیث مجنون از ریا باطل شود
دل از دست رفت بر صاحبدل دارم رجوع
درد بیدل چاره از صاحبدل شود
هوشدارراز پنهان نگرده آشکارا
مرغ دل در خون تپد و بسمل شود
از دسایس پرداختند بر گو ساله ای
وز جهل شان رنگ سامری باطل شود
شعر خوب با فلسفه باشد هم طراز
دین اگر با عقل بسازد کامل شود
جان نوازی کن با نغمه زبور شوق
داودی کن تا غم دل زایل شود
قصه پرداز عالم لا هوتی ام
تا نماد ناسوتی دید زایل شود
عیب نیست گیریم واژه هار از همدیگر
همدلی از هم زبانی حاصل شود

گر نباشد واژه ای در گویش تو
از زبان برادر گیر ، کامل شود
درباغ، گل دو رنگ زیباتر است و لیک
کج بینی ها ، زیبایی را حایل شود

فروغ از حملهٔ حسودان جای رم نیست
وز ایما ، فیل طعمه ای ابابیل شود

تلمیح است : اشاره به سوره الفیل

م. ش . فروغ

کابل 2013/01/10